رویش روان شناسی، سال۱۴، شماره ۱۱، شماره پیاپی ۱۱۶، بهمن ۱۴۰۴
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),14(11), 2026

رابطه صفات تاریک شخصیت و قلدری سایبری با میانجیگری بی تفاوتی اخلاقی و تکانشگری در دانش آموزان

The Relationship Between Dark Personality Traits and Cyberbullying with the mediation of Moral Indifference and Impulsivity in Students

نیلوفر ابوسعیدی جیرفتی
دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.
فریده سیف جمالی جمال اباد
کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکدۀ علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
فاطمه نعمتی سوگلی تپه(نویسنده مسئول)
دانشیار گروه روانشناسی، دانشکدۀ علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
امیر معروف صوفیان
کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکدۀ علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Niloofar Abousaedi Jirofti
M.Sc. Student in Family Counseling, Counseling Department, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran.
Farideh Seyfjamali Jamalabad
M.A General Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
Fatemeh Nemati Sogolitappeh*
Associate Professor, Department of Psychology, Faculty Of Education And Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
f.nemati84@gmail.com
Amir Marouf Sofian
M.A General Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه صفات تاریک شخصیت و قلدری سایبری با میانجیگری بی‌تفاوتی اخلاقی و تکانشگری در دانش آموزان انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی_همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعۀ پژوهش کلیه دانش‌آموزان متوسطه شهر تبریز در سال ۱۴۰۳ بودند که از بین آنها به صورت تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۳۸۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل مقیاس تجربه قلدری سایبری (CBVEQ) آنتیادو و همکاران (۲۰۱۶)، مقیاس شخصیت تاریک (DDS) جانسون و وبستر (۲۰۱۰)، مقیاس بی‌تفاوتی اخلاقی (MMDS) بندورا و همکاران (۱۹۹۶) و مقیاس تکانشگری بارت (BIS-11) پاتون و همکاران (۱۹۹۵) بود. شاخص‌های برازش نشان داد مدل نهایی از برازش مناسبی برخوردار بود. اثر مستقیم ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی بر قلدری سایبری (P<۰/۰۱) معنادار بود. اثرمستقیم خودشیفتگی بر قلدری سایبری، ماکیاولیسم بر تکانشگری، خودشیفتگی بر تکانشگری و جامعه‌ستیزی بر بی‌تفاوتی اخلاقی معنادار نبود(P< ۰/۰۵). اثر غیرمستقیم ماکیاولیسم و خودشیفتگی به‌واسطه‌ی بی‌تفاوتی اخلاقی و جامعه‌ستیزی به واسطه‌ی تکانشگری بر قلدری سایبری معنادار بود (P<۰/۰۱). در نتیجه تکانشگری و بی‌تفاوتی اخلاقی نقشی مهم در قلدری سایبری دارد و متخصصان می‌توانند با تکیه بر این مدل به طراحی مداخلات درمانی لازم بپردازند.

واژه‌های کلیدی: *تکانشگری، صفات تاریک شخصیت، قلدری سایبری، بی‌تفاوتی اخلاقی.*

Abstract

The present study was aimed to investigate the relationship between dark personality traits and cyberbullying through the mediation of moral indifference and impulsivity in students. The research method was descriptive_correlational, path analysis type. The research population was all high school students in Tabriz in 2024, from which 388 individuals were selected as a sample through multi_stage cluster random sampling. The tools of this study included the Cyber-Bullying/Victimization Experiences Questionnaire (CBVEQ) by Antoniadou et al. (2016), the Dirty Dozen scale (DDS) by Johnson and Webster (2010), the Mechanisms of Moral Disengagement Scale (MMDS) by Bandura et al. (1996), and the Barrett Impulsivity Scale (BIS-11) by Patton et al (1995). The fit indices showed that the final model had a good fit. The direct effect of Machiavellianism and antisociality on cyberbullying (P<0.01) was significant. the direct effect of narcissism on cyberbullying, machiavellianism on impulsivity, narcissism on impulsivity and antisociality on moral indifference were not significant (P>0.05). the indirect effect of machiavellianism and narcissism through moral indifference and antisociality through impulsivity on cyberbullying was significant (P<0.01). As a result impulsivity and moral indifference play an important role in cyberbullying and mental health professionals can rely on this model to design necessary therapeutic interventions.

Keywords: *Impulsivity, Dark Personality Traits, Cyberbullying, Moral indifference.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت :** فروردین ۱۴۰۴ | **پذیرش:** اردیبهشت ۱۴۰۴ | **ویرایش نهایی:** بهمن ۱۴۰۴

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

مقدمه

نوجوانی دوره‌ای حساس و سرنوشت‌ساز در رشد اجتماعی و هیجانی فرد است که در آن روابط با همسالان و تعاملات اجتماعی نقش پررنگی پیدا می‌کنند (پنگ[1] و همکاران، ۲۰۲۵). با گسترش فناوری و دسترسی آسان به اینترنت، فضای مجازی به بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی نوجوانان تبدیل‌شده است. پژوهش‌های بین‌المللی نشان داده است که اعتیاد به اینترنت[2] و فضای مجازی رو به گسترش بوده و حدود ۵ درصد از کل جمعیت از آن رنج می‌برند (ددی[3] و همکاران، ۲۰۲۴). با گسترش فناوری‌های دیجیتال شبکه‌های اجتماعی، نوع جدیدی از رفتارهای پرخطر، ازجمله قلدری سایبری[4]، در میان نوجوانان ظهور یافته است (لی[5] و همکاران، ۲۰۲۵). قلدری سایبری به هرگونه رفتار آزاردهنده، تهدیدآمیز یا تحقیرکننده‌ای اطلاق می‌شود که از طریق ابزارهای دیجیتالی مانند پیام‌رسان‌ها، شبکه‌های اجتماعی، ایمیل یا بازی‌های آنلاین انجام می‌شود. در حقیقت قلدری سایبری به‌عنوان نوعی خشونت روانی و اجتماعی در فضای مجازی تعریف می‌شود که در آن فرد یا گروهی از افراد به‌صورت عمدی و مکرر اقدام به آسیب رساندن به دیگران از طریق فناوری‌های دیجیتال می‌کنند (تنگ[6] و همکاران، ۲۰۲۴). این رفتار می‌تواند شامل توهین و تخریب فردی در گروه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی، پخش شایعات و اطلاعات نادرست درباره افراد، محروم کردن فرد از حضور در گروه‌های آنلاین و تشویق دیگران به نادیده گرفتن یا طرد او باشد (لی و همکاران، ۲۰۲۵).

ازنظر اسپیتسکا[7] و همکاران (۲۰۲۴) هر رفتاری که فرد در فضای مجازی از خود نشان می‌دهد، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل شخصیتی شکل می‌گیرد. در این میان، صفات تاریک شخصیت[8] به دلیل ارائه چشم‌اندازی منحصربه‌فرد از ویژگی‌های رفتاری افراد، توجه زیادی را در حوزه روان‌شناسی شخصیت به خود جلب کرده است (پالهاس و ویلیامز[9]، ۲۰۰۲). این صفات که شامل ماکیاولیسم[10]، خودشیفتگی[11] و جامعه ستیز[12] هستند، الگوهای رفتاری خاصی را در افراد ایجاد می‌کنند که می‌توانند بر روابط اجتماعی، تعاملات بین‌فردی و حتی رفتارهای آسیب‌زا مانند قلدری سایبری تأثیرگذار باشند (جهانی زنگیر و همکاران، ۱۴۰۲). افراد خودشیفته تمایل دارند که با استفاده از قلدری سایبری، برتری و تسلط خود را بر دیگران نشان دهند. این افراد معمولاً به دنبال کسب توجه و تأیید اجتماعی هستند و ممکن است از تحقیر دیگران در فضای مجازی برای افزایش احساس قدرت خود استفاده کنند (آرپاکی[13]، ۲۰۱۸). در مقابل، افراد با ویژگی ماکیاولیستی انگیزه‌های دست‌کاری و فریب دیگران را دارند و از قلدری سایبری به‌عنوان ابزاری برای کنترل و نفوذ بر دیگران استفاده می‌کنند و با برنامه‌ریزی، دیگران را به صورت غیرمستقیم مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند (لادانی و پورتیلو[14]، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، افراد دارای ویژگی‌های جامعه‌ستیز فاقد همدلی و احساس گناه هستند و رفتارهای قلدری سایبری آن‌ها بیشتر تکانشی، بی‌پروا و همراه با لذت از آزار دیگران است. این افراد معمولا هیچ احساس مسئولیتی در قبال آسیب‌های روانی که به دیگران وارد می‌کنند، ندارند و به دلیل هیجان‌طلبی بالا، به دنبال رفتارهای مخرب در فضای مجازی هستند (بونفا[15] و همکاران، ۲۰۲۵).

از عوامل دیگری که تاثیر آن بر قلدری سایبری گزارش‌شده است، بی‌تفاوتی اخلاقی است (کالینز، ۲۰۲۴). بی‌تفاوتی اخلاقی، مفهومی است که توسط بندورا (۱۹۹۰) مطرح شد و به افراد این امکان را می‌دهد که بدون احساس گناه یا ناراحتی، در رفتارهای غیراخلاقی مانند قلدری سایبری مشارکت کنند. این سازه به عنوان یک فرایند شناختی تعریف می‌شود که در طول زمان رشد می‌کند و افراد را قادر می‌سازد تا اعمال غیراخلاقی خود را توجیه کرده و از عواقب روان‌شناختی آن دوری کنند (اصغری و نمازی، ۲۰۲۴). تحقیقات نشان داده‌اند که بی‌تفاوتی اخلاقی، نقش مهمی در افزایش رفتارهای قلدری سایبری دارد (کالینز، ۲۰۲۴). افرادی که سطح بالایی از بی‌تفاوتی اخلاقی دارند، احتمال بیشتری دارد که درگیر تحقیر، توهین، پخش شایعات، و حذف عمدی افراد از گروه‌های مجازی شوند، زیرا احساس همدلی

1 . Pang
2 . Internet addiction
3 . Dadi
4 . Cyberbullying
5 . Lee
6 . Teng
7 . Spytska
8 . Dark personality traits
9 . Paulhus & Williams
10 . Machiavellianism
11 . Narcissism
12 . Psychopathy
13 . Arpaci
14 . Ladanyi & Portillo
15 . Bonfá

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

کمتری نسبت به قربانیان خود دارند (کوکینوس و آنتونیادو[1]، ۲۰۲۴). این افراد معمولا رفتارهای خود را از طریق توجیه اخلاقی، کاهش مسئولیت‌پذیری، یا مقصر دانستن قربانی توجیه می‌کنند، که این امر به آنها اجازه می‌دهد بدون احساس گناه به رفتارهای آسیب‌زننده خود ادامه دهند (مارین-لوپز[2] و همکاران، ۲۰۲۰). علاوه بر این، بی‌تفاوتی اخلاقی تحت تأثیر محیط، گروه‌های اجتماعی و فرهنگ دیجیتال تغییر می‌کند، در نتیجه در فضای مجازی، که تعاملات پیامدهای فوری کمتری دارند، افراد راحت‌تر درگیر رفتارهای قلدری سایبری می‌شوند و آسیب‌هایی جدی به قربانیان وارد می‌کنند (اصغری و نمازی، ۲۰۲۴).

بر اساس پژوهش پارک[3]و همکاران (۲۰۲۴) تکانشگری نیز یکی از ویژگی‌های دیگری است که احتمالا با قلدری سایبری و صفات تاریک شخصیت ارتباط دارد. این ویژگی به‌صورت انجام رفتارهای ناگهانی، بدون برنامه‌ریزی قبلی و ناتوانی در به تعویق انداختن لذت تعریف می‌شود (موریس[4]و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، صفات تاریک به‌خصوص جامعه‌ستیزی و خودشیفتگی با تکانشگری ارتباطی مستقیم دارند (تانگ[5] و همکاران، ۲۰۲۵). پژوهش دیگری نشان داد که بین قلدری سایبری با تکانشگری همبستگی بالایی وجود دارد (زیچ[6]و همکاران، ۲۰۲۳). بدین معنی افرادی که به صورت غیرقابل‌کنترل، از اینترنت در جهت نشان دادن ویژگی‌های قلدرانه استفاده می‌کنند قبل از اقدام، به عمل خود فکر نمی‌کنند و به صورت تکانشی دست به چنین رفتاری می‌زنند. این افراد نمی‌توانند واکنش‌های فوری خود را کنترل و مهار کنند (سلا شایوویتز[7] و همکاران، ۲۰۲۴). تحلیل‌های پژوهش‌ها حاکی از آن است که تکانشگری در این زمینه عملکردی دوگانه دارد: هم به‌عنوان پیامد صفات تاریک شخصیت و هم به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده قلدری سایبری. این یافته‌ها تأیید می‌کند که تکانشگری نه‌تنها یک متغیر دخیل، بلکه یک مکانیسم واسطه‌ای حیاتی بین صفات شخصیتی تاریک و پیامدهای سایبری آسیب‌زا محسوب می‌شود (توکارو[8]، ۲۰۱۷؛ فریک[9] و وایت، ۲۰۰۸).

با توجه به ناهمخوانی یافته‌های موجود درباره سازوکارهای مؤثر بر قلدری سایبری، این پژوهش با بررسی همزمان دو مسیر واسطه‌ای متمایز - بی‌تفاوتی اخلاقی به عنوان مکانیسم شناختی و تکانشگری به عنوان مکانیسم کنترل رفتاری - در پی ارائه الگویی یکپارچه برای تبیین تفاوت‌های فردی در آسیب‌پذیری نسبت به این رفتارهاست. یافته‌های این مطالعه می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات هدفمند باشد؛ به‌طوری که برای افراد با صفات خودشیفتگی بر بازسازی شناخت‌های اخلاقی و برای جامعه‌ستیزها بر راهبردهای تنظیم هیجان تمرکز کند. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه صفات تاریک شخصیت و قلدری سایبری با میانجیگری بی تفاوتی اخلاقی و تکانشگری در دانش آموزان انجام گرفت.

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان متوسطه دوم شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۳_۱۴۰۴ بودند. نمونه‌گیری به شیوه تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد و انتخاب حجم نمونه بنا به نظر کلاین[10] (۲۰۲۳) محاسبه گردید. حداقل حجم نمونه ۲۰۰ نفر می‌باشد؛ در نتیجه حجم نمونه با احتساب افت شرکت کنندگان ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شدند. بدین ترتیب که از بین ۵ ناحیه شهر تبریز دو ناحیه انتخاب‌شده و از مدارس متوسطه دوم آن نواحی، ۶ مدرسه انتخاب و از هر مدرسه ۲ کلاس به‌صورت تصادفی برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل دانش آموزان دختر و پسر نواحی ۵ گانه شهر تبریز، دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، آگاهی از اهداف پژوهش و ارائه رضایت آگاهانه برای شرکت در مطالعه بود. معیارهای خروج شامل انصراف از ادامه پژوهش، عدم رضایت و تکمیل پرسشنامه‌ها به‌شکل ناقص بود. فرایند شرکت‌کنندگان با اطلاع کامل از اهداف پژوهش، به‌صورت داوطلبانه مشارکت کردند و در هر مرحله امکان انصراف داشتند. برای رعایت اصول اخلاقی، اطمینان داده شد که اطلاعات شرکت‌کنندگان محرمانه باقی مانده و صرفاً به‌صورت گروهی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین، ۱۸ پرسشنامه با استفاده از فاصله اطمینان Mahalanobis به‌عنوان داده پرت

1 . Kokkinos & Antoniadou
2 . Marín-López
3 . Park
4 . Morris
5 . Tang
6 . Zych
7 . Sela-Shayovitz
8 .Tokarev
9 .Frick
10 . kline

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

شناسایی و حذف شد. در نهایت، داده‌های ۳۸۸ نفر در تجزیه‌وتحلیل پژوهش لحاظ گردید. برای تحلیل داده‌ها، روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۲۴ به‌کار گرفته شد.

ابزار سنجش

مقیاس تجربه قلدری سایبری[1] (CBVEQ): این پرسشنامه توسط آنتیادو[2] و همکاران (۲۰۱۶) برای سنجش قلدری سایبری طراحی شده است و شامل ۲۴ گویه است که نمره‌گذاری آن در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (هرگز=۱ تا هرروز=۵) نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه دارای دو عامل قلدری سایبری[3] و قربانی سایبری[4] می‌باشد که هر عامل دارای ۱۲ گویه است. سازندگان اصلی مقیاس (آنتیادو و همکاران، ۲۰۱۶) ضریب آلفای کرونباخ را برای برای خرده مقیاس‌های قلدری سایبری ۰/۸۹ و قربانی سایبری ۰/۸۰ و برای کل مقیاس ۰/۶۳ بدست آوردند. پژوهش آنتیادو و همکاران (۲۰۱۶) برای بررسی روایی این پرسشنامه نشان داد که این پرسشنامه همبستگی مثبتی با ویژگی‌های شخصیت ضد اجتماعی (۰/۲۹) و ویژگی‌های بی‌عاطفگی و بی‌احساسی (۰/۱۹) دارد و در نتیجه از روایی همزمان مناسبی برخوردار است. در ایران ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس قلدری سایبری ۰/۷۵، قربانی سایبری ۰/۷۸ و برای کل مقیاس ۰/۷۹ گزارش شده است. همچنین اعتماد پرسشنامه به روش بازآزمایی بررسی‌شده است که ضریب همبستگی به فاصله ۱ هفته برای قلدری سایبری ۰/۶۳ بوده است. بشرپور و زردی (۱۳۹۸) در پژوهش خود رای بررسی روایی از روایی سازه استفاده کردند و بیان نمودند شاخص‌های برازندگی نشان می‌دهد که مدل اندازه‌گیری پرسشنامه حاضر خوب و در نتیجه، روایی سازه قابل قبولی دارد (بشرپور و زردی، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس قلدری سایبری ۰/۹۳ بدست آمد.

مقیاس شخصیت تاریک[5] (DDS): این ابزار، که توسط جانسون و وبستر[6] (۲۰۱۰) طراحی شده، برای ارزیابی سه صفت تاریک شخصیت ماکیاولیسم[7] (سوالات ۱تا ۴)، خودشیفتگی[8] (سوالات ۵ تا ۸) جامعه‌ستیزی[9] (سوالات ۹ تا ۱۲) استفاده می‌شود و شامل ۱۲ گویه است که بر اساس مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای (کاملا مخالفم=۱ تا کاملا موافقم=۷) ارزیابی می‌شوند. پژوهش جنسون و وبستر (۲۰۱۰) نشان داد روایی روایی این پرسشنامه در نمونه خارجی به روش تحلیل عاملی اکتشافی در مجموع سه عامل با بار عاملی بیش از ۰/۴۰ در مجموع ۶۳ درصد واریانس را تبیین کردند و پایایی بالای این ابزار با ضریب بازآزمایی یک هفته‌ای ۰/۷۶ تا ۰/۸۷ تأیید شد. در ایران نیز قمرانی و همکاران (۱۳۹۴) برای روایی این مقیاس از همبستگی هر گویه با نمره کل استفاده کردند که همبستگی گویه‌ها با نمره کل در تمام موارد معنی‌دار بود. همچنین ضریب همبستگی خرده مقیاس ماکیاولیسم، جامعه‌ستیز و خودشیفتگی با نمره کل به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۶ و ۰/۷۵ بود. براساس نتایج بدست آمده نتیجه روایی ملاکی نشان داد که سه ویژگی شخصیت تاریک با مقیاس کوتاه تکانش دیگرآزاری همبستگی مثبت بین ۰/۶۷ الی ۰/۷۳ محاسبه شد. همچنین قمرانی و همکاران (۱۳۹۴) ضریب آلفای کرونباخ برای مولفه‌های ماکیاولیسم، خودشیفتگی و جامعه ستیزی را به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۶۸، ۰/۴۰ دادند. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای ماکیاولیسم ۰/۸۲، خودشیفتگی ۰/۶۸ و جامعه‌ستیزی ۰/۴۷ بدست آمد.

مقیاس بی‌تفاوتی اخلاقی[10] (MMDS): این مقیاس که توسط بندورا[11] و همکاران (۱۹۹۶) طراحی گردید و بی‌تفاوتی اخلاقی افراد را در قالب ۳۲ گویه و در یک مقیاس پنج درجه‌ای از (کاملا موافقم=۱ تا کاملا مخالفم=۵) درجه‌بندی می‌شود. نمرات پایین‌تر در این مقیاس نشان دهندهٔ بی‌تفاوتی اخلاقی بیشتر است و بالعکس. ضریب پایایی این پرسشنامه در پژوهش بندورا و همکاران (۱۹۹۶) با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش شده است. برای بررسی روایی این مقیاس از همبستگی هر گویه با نمره کل استفاده کردند که همبستگی گویه‌ها با نمره کل در تمام موارد معنی‌دار بود. همچنین روایی همزمان مقیاس بی‌تفاوتی اخلاقی با رفتارهای ضداجتماعی[12] همبستگی مثبت ۰/۶۰ داشت (بردلی و کاواسانو[13]، ۲۰۰۷). همچنین در بین مطالعات داخلی، طبق پژوهش رسایی کشکوک و همکاران (۱۳۹۷) پایایی آزمون به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۲ گزارش شده است. همچنین برای بررسی روایی سازه مقیاس حاضر از روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد (GFI=0/91; AGFI=0/93 و RMSEA=0/06)، که نتایج حاصل از روایی سازه مناسب بود. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در مطالعه حاضر ۰/۹۰ بدست آمد.

1 . Cyber-Bullying/Victimization Experiences Questionnaire
2. Antoniadou
3. Cyberbullying
4. cyber victimization
5 . Dirty Dozen scale
6 . Jonason & Webster
7 . Machiavellianism
8 . Narcissism
9 . Psychopathy
10 . Mechanism of moral disengagement Scale
11 . Bandura
12 . Antisocial behaviors
13 . Boardley & Kavussanu

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

مقیاس تکانشگری بارت[1] (BIS-11): پرسشنامه تکانشگری بارت ویرایش یازدهم توسط پاتون[2] و همکاران (۱۹۹۵) ساخته‌شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه و سه خرده مقیاس تکانشگری شناختی[3]، تکانشگری حرکتی[4] و عدم برنامه‌ریزی[5] می‌باشد. سوالات این پرسشنامه در مقیاس لیکرت تنظیم شده است که از ۱(هرگز) تا ۴ (تقریبا همیشه) است. بیشترین نمره کسب‌شده ۱۲۰ و کمترین نمره نیز ۳۰ می‌باشد. سازندگان اصلی این مقیاس (پاتون و همکاران، ۱۹۹۵) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۸۳ و برای خرده مقیاس‌های مقیاس تکانشگری شناختی، تکانشگری حرکتی و عدم برنامه‌ریزی به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۴ و ۰/۷۳ گزارش کردند. همچنین ضریب همبستگی کل مقیاس تکانشگری با عامل عدم برنامه ریزی ۰/۸۰، با عامل تکانشگری حرکتی ۰/۷۴ و با عامل تکانشگری شناختی ۰/۴۷ گزارش شد که حاکی از روایی مناسب فرم خاجی این ابزار می‌باشد. پایایی و روایی فرم فارسی این مقیاس بر اساس نتایج پژوهش اختیاری و همکاران (۱۳۸۷)، ضریب آلفای کرونباخ برای کل این مقیاس ۰/۸۳ برای خرده مقیاس‌های تکانشگری شناختی ۰/۷۸، تکانشگری حرکتی ۰/۶۳ و عدم برنامه‌ریزی ۰/۷۴ گزارش شد. همچنین روایی همزمان این مقیاس با پرسشنامه تکانشگری آیزنک ۰/۳۶ گزارش شد (اختیاری و همکاران، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۸ و برای خرده مقیاس های عدم برنامه‌ریزی، تکانشگری حرکتی و تکانشگری شناختی به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۵ و ۰/۶۸ بدست آمد.

یافته ها

در پژوهش حاضر ۳۸۸ دانش آموز مشارکت داشتند. از این تعداد ۹۴ دانش آموز پسر (۲۴ درصد) و ۲۸۸ دانش آموز دختر (۷۶ درصد) بودند. دامنه سنی شرکت کنندگان در پژوهش حاضر دانش آموزان نوجوان ۱۵ تا ۱۸ سال با میانگین سنی ۱۶/۹۶ سال و انحراف معیار ۱/۰۲ بود. جدول ۱ میانگین، انحراف معیار، کشیدگی و چولگی متغیرهای موردمطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱.ماکیاولیسم	۱					
۲.خودشیفتگی	۰/۶۰**	۱				
۳.جامعه‌ستیزی	۰/۱۸**	۰/۱۷**	۱			
۴.بی‌تفاوتی اخلاقی	۰/۲۸**	۰/۲۸**	۰/۱۲*	۱		
۵.تکانشگری	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۱۶**	۰/۱۹**	۱	
۶.قلدری سایبری	۰/۳۶**	۰/۲۴**	۰/۲۴**	۰/۳۷**	۰/۱۰**	۱
میانگین	۸/۰۴	۱۰/۳۹	۱۵/۶۸	۶۹/۷۲	۶۸/۷۳	۱۴/۸۲
انحراف استاندارد	۴/۲۷	۳/۹۲	۳/۵۴	۱۷/۵۵	۹/۶۲	۵/۳۵
کجی	۱/۱۶	۰/۳۹	-۰/۸۸	۰/۲۶	-۰/۲۸	۱/۵۲
کشیدگی	۰/۳۵	-۰/۳۸	۰/۵۸	۰/۴۴	۱/۴۰	۱/۱۹

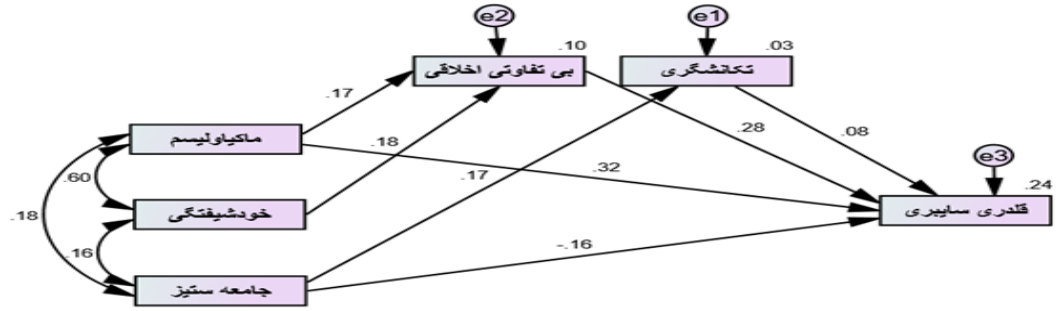
* P ‹ ۰/۰۵ **P ‹۰/۰۱

ماتریس همبستگی بین متغیرها نشان می‌دهد بین متغیرهای پژوهش همبستگی وجود دارد (P< ۰/۰۱) به جز رابطه تکانشگری با خودشیفتگی و ماکیاولیسم معنادار نبودند (P> ۰/۰۵). قبل از انجام تحلیل‌مسیر مفروضه‌های نرمال بودن متغیرهای پژوهش، عدم هم‌خطی چندگانه و استقلال منابع خطا بررسی شد. در بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، قدر مطلق چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها در محدوده کمتر از |۲| قرار داشت، بنابراین پیش‌فرض نرمال بودن مورد تائید قرار گرفت. هم‌چنین مفروضه عدم هم خطی چندگانه با شاخص‌های آماره تحمل (بزرگ‌تر از ۰/۱) و عامل تورم واریانس (کمتر از ۱۰) به ترتیب در متغیر ماکیاولیسم ۰/۶۲ و ۱/۶۰، خودشیفتگی ۰/۶۲ و ۱/۶۰، جامعه‌ستیزی ۰/۹۳ و ۱/۰۶، بی‌تفاوتی اخلاقی ۰/۸۷ و ۱/۱۴ و تکانشگری ۱/۰۶ و ۰/۹۴ ارزیابی شد. پس می‌توان گفت بین

1 . Barratt impulsiveness scale
2 . Patton
3 . cognitive impulsivit
4 . motor impulsivity
5 . nonplanning

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

متغیرهای پژوهش هم خطی وجود ندارد. درنهایت مفروضه استقلال منابع خطا از طریق آزمون دوربین واتسون ارزیابی شد و با توجه به اینکه مقدار محاسبه‌شده (۱/۸۹) از دو حد بحرانی (۱/۵- ۲/۵) عبور نکرده بود، این پیش‌فرض نیز محقق شد. بنابراین استفاده از روش تحلیل مسیر، برای تحلیل داده‌های پژوهش بلامانع بود. مدل فرضی پژوهش در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل۲. مدل نهایی پژوهش

شکل (۲) مسیرها و ضرایب استاندارد مربوط به مدل فرضی رابطه صفات تاریک شخصیت و قلدری سایبری با میانجیگری بی تفاوتی اخلاقی و تکانشگری را نشان می‌دهد. در مدل مفهومی بر اساس نتایج تحلیل مسیر، ضرایب همه مسیرهای حاضر در مدل معنادار شدند. همچنین در جهت بهبود شاخص‌های برازش مدل، اثرمستقیم خودشیفتگی بر قلدری سایبری، ماکیاولیسم بر تکانشگری، خودشیفتگی بر تکانشگری و جامعه‌ستیزی بر بی‌تفاوتی اخلاقی بدلیل عدم معناداری (P> ۰/۰۵) از مدل اصلاح شده حذف گردیدند.

جدول۲. برآوردهای ضرایب اثر مستقیم

متغیر برون‌زا	متغیر درون‌زا	B	β	S.E.	T (C.R)	P
ماکیاولیسم	قلدری سایبری	۰/۳۹	۰/۳۲	۰/۰۵	۶/۷۷	۰/۰۰۱
ماکیاولیسم	بی‌تفاوتی اخلاقی	۰/۷۰	۰/۱۷	۰/۲۴	۲/۸۸	۰/۰۰۴
خودشیفتگی	بی‌تفاوتی اخلاقی	۰/۸۲	۰/۱۸	۰/۲۶	۳/۱۱	۰/۰۰۲
جامعه‌ستیزی	تکانشگری	۰/۴۵	۰/۱۷	۰/۱۳	۳/۴۱	۰/۰۰۱
جامعه‌ستیزی	قلدری سایبری	-۰/۲۹	-۰/۱۶	۰/۰۶	۳/۴۱	۰/۰۰۱
بی‌تفاوتی اخلاقی	قلدری سایبری	۰/۰۹	۰/۲۸	۰/۰۱	۶/۵۸	۰/۰۰۱
تکانشگری	قلدری سایبری	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۰۲	۱/۲۲	۰/۰۲۲

همان‌طور که جدول (۲) نشان می‌دهد، اثرات مستقیم صفات تاریک ماکیاولیسم ۰/۱۴ در سطح خطای (P< ۰/۰۱)، و جامعه‌ستیز ۰/۱۶- در سطح خطای (P< ۰/۰۱) به لحاظ آماری بر پرخاشگری سایبری معنادار است. همچنین، اثر مستقیم هر سه صفت تاریک ماکیاولیسم، خودشیفتگی و کینه‌توزی به لحاظ آماری بر تنظیم هیجان ناسازگار معنی‌دار بودند (P< ۰/۰۱). اثر مستقیم تنظیم هیجان ناسازگار نیز به میزان ۰/۱۱ بر قلدری سایبری معنی‌دار بود (P< ۰/۰۵).

جدول۳. برآوردهای ضرایب اثر غیرمستقیم (بوت استروپ)

متغیر برون‌زا	میانجی	متغیر درون‌زا	β	حد بالای بوت استروپ	حد پایین بوت استروپ	P
ماکیاولیسم	بی‌تفاوتی اخلاقی	قلدری سایبری	۰/۰۵۸	۰/۰۹۹	۰/۰۲۴	۰/۰۰۱
خودشیفتگی	بی‌تفاوتی اخلاقی	قلدری سایبری	۰/۰۵۳	۰/۰۹۲	۰/۰۲۴	۰/۰۰۱
جامعه‌ستیزی	تکانشگری	قلدری سایبری	۰/۰۱۲	۰/۰۳۸	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱

همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد، اثرات غیرمستقیم صفات تاریک ماکیاولیسم، خودشیفتگی و جامعه‌ستیزی به‌واسطه‌ی بی‌تفاوتی اخلاقی و تکانشگری بر قلدری سایبری مثبت و معنادار است (P< ۰/۰۱).

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

جدول۴. شاخص‌های برازش مدل نهایی

	df	X^2/df	CFI	RMSEA	GFI	AGFI	TLI	NFI	P
مدل	۴	۲/۹۴	۰/۹۸	۰/۰۷	۰/۹۸	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۰۴
قابل‌قبول		<۳	>۰/۹۰	<۰/۰۸	>۰/۹۰	>۰/۸۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	

شاخص‌های برازش مدل در جدول شماره ۴ حاکی از برازش مطلوب مدل نهایی پژوهش می‌باشد. مقدار (CFI، TLI، GFI، AGFI، NFI) بالاتر از ۰/۹۰ می‌باشد و مقدار (RMSEA) کمتر از ۰/۰۸ می‌باشد که حاکی از برازش مطلوب مدل دارد. CFI نشان‌دهنده برازش مدل نسبت به مدل استقلال است و شاخص اقتصاد مدل X^2/df و RMSEA حاکی از اقتصادی بودن آن است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش میانجی بی‌تفاوتی اخلاقی و تکانشگری در رابطه بین ویژگی‌های تاریک شخصیت با قلدری سایبری انجام شد. نتایج نشان داد مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است. یافته‌ها حاکی از آن بود که بی‌تفاوتی اخلاقی در رابطه ماکیاولیسم و خودشیفتگی با قلدری سایبری نقش میانجی ایفا می‌کند، در حالی که تکانشگری تنها در رابطه جامعه‌ستیزی با قلدری سایبری به‌عنوان واسطه عمل می‌نماید. این الگوی متفاوت میانجی‌گری با یافته‌های مطالعات پیشین همسو است. این نتیجه می تواند با نتایج تحقیقات غلامی و همکاران (۲۰۲۵)، جهانی زنگیر و همکاران (۱۴۰۲)، بونفا و همکاران (۲۰۲۵)، مارین-لوپز و همکاران (۲۰۲۰) و ابوسعیدی جیرفتی و همکاران (۱۴۰۳)، سلا شایوویتز و همکاران (۲۰۲۴) همسویی داشته باشد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین صفات تاریک ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی با قلدری سایبری رابطه معنی‌داری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش غلامی و همکاران (۲۰۲۵)، جهانی زنگیر و همکاران (۱۴۰۲)، اصغری و نمازی (۲۰۲۴) و آرپاکی (۲۰۱۸) همسو بود. در تبیین این نتیجه بر اساس نظریه تسلط اجتماعی[1] (سیدانیوس و پراتو[2]، ۲۰۰۱) افراد ماکیاولیست، که به فریبکاری، کنترل و دستکاری اجتماعی تمایل دارند، در فضای مجازی از قلدری سایبری به عنوان ابزاری برای تحمیل تسلط خود استفاده می‌کنند و معمولاً فضای مجازی به دلیل فراهم آوردن امکان ناشناس ماندن، یک محیط ایده‌آل برای این افراد است تا بدون ترس از مجازات، از قلدری سایبری به عنوان ابزاری برای کسب منافع شخصی و حفظ قدرت برای دستکاری دیگران استفاده کنند (آرپاکی و همکاران، ۲۰۱۸). نظریه انتخاب اجتماعی[3] توضیح می‌دهد که رفتارهای پرخاشگرانه به دو نوع کنشی[4] و واکنشی[5] تقسیم می‌شوند. قلدری سایبری معمولاً نوعی پرخاشگری کنشی است که به برنامه‌ریزی و کنترل نیاز دارد، در حالی که جامعه‌ستیزی بیشتر با پرخاشگری واکنشی همراه است که تکانشی و بدون تفکر است. از آنجایی که افراد جامعه‌ستیز کمتر قادر به برنامه‌ریزی و کنترل تکانه‌های خود هستند، احتمال درگیری آن‌ها در قلدری سایبری بصورت مستقیم کاهش می‌یابد (کوکینوس و آنتونیادو، ۲۰۲۴).

همچنین نتایج بدست آمده نشان داد که بین خودشیفتگی و ماکیاولیسم با بی‌تفاوتی اخلاقی رابطه معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه با پژوهش‌های جهانی زنگیر و همکاران (۱۴۰۲)، پریور[6] و همکاران (۲۰۰۸)، غلامی و همکاران (۲۰۲۵)، کوکینوس و آنتونیادو (۲۰۲۴) و اصغری و نمازی (۲۰۲۴) مطابقت داشت. نظریه بازداری اخلاقی آلبرت بندورا (۱۹۹۹) توضیح می‌دهد که افراد ماکیاولیست معمولاً مسئولیت رفتارهای غیراخلاقی خود را به دیگران یا شرایط بیرونی نسبت می‌دهند و از این طریق، احساس گناه را کاهش می‌دهند. آن‌ها همچنین با کوچک جلوه دادن اثرات منفی اعمال خود، توجیه می‌کنند که رفتارشان ضرر جدی ندارد. این فرایندها موجب می‌شوند که افراد ماکیاولیست به تدریج نسبت به پیامدهای اخلاقی رفتارهایشان بی‌تفاوت شوند و به‌راحتی دروغ بگویند، دیگران را فریب دهند و از دیگران برای رسیدن به اهداف خود سوءاستفاده کنند (غلامی و همکاران، ۲۰۲۵). همچنین نظریه خودمحوری و اخلاقی شدن[7] بیان می‌کند افراد خودشیفته به دلیل اینکه خود را برتر از دیگران می‌دانند و از مکانیسم‌های بازداری اخلاقی برای توجیه رفتارهای خود استفاده می‌کنند. این مکانیسم‌ها شامل توجیه عقلانی، تغییر مسئولیت، و کم‌اهمیت جلوه دادن پیامدهای منفی رفتارهایشان می‌شود. افراد خودشیفته ممکن است در موقعیت‌های اجتماعی از رفتارهای غیر

1 . Social Dominance Orientation
2 . Sidanius & Pratto
3 . Social Selection Theory
4 . Proactive Aggression
5 . Reactive Aggression
6 . Pryor
7 . Narcissism and Moral Disengagement Theory

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

اخلاقی مانند فریبکاری یا دستکاری استفاده کنند، زیرا آن‌ها به دنبال تأمین نیازهای شخصی خود هستند و احساس نمی‌کنند که برای این اعمال باید مسئولیت اخلاقی بپذیرند (پریور و همکاران، ۲۰۰۸).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین جامعه‌ستیزی و تکانشگری رابطه معنی‌داری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های پارک و همکاران (۲۰۲۴)، سلا شایوویتز و همکاران (۲۰۲۴) و تانگ و همکاران (۲۰۲۵) همسو بود. در تبیین این نتیجه گفته می‌شود افرادی که به جامعه‌ستیزی تمایل دارند، اغلب از ویژگی‌های تکانشگرانه برخوردارند و معمولاً از کنترل تکانه‌ها و ارزیابی عواقب اعمالشان ناتوان هستند و در نتیجه بیشتر در معرض بروز رفتارهای ضد اجتماعی و پرخاشگرانه قرار دارند. همچنین تکانشگری می‌تواند به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده در بروز رفتارهای ضد اجتماعی عمل کند. بدین صورت افرادی که تکانشگری بالایی دارند، اغلب نمی‌توانند از تصمیمات سریع و بر اساس لحظه‌گرایی خود اجتناب کنند، که در نتیجه ممکن است در موقعیت‌های اجتماعی دچار مشکلات و تعارضات شوند. لذا منطقی است گفته شود که بین جامعه‌ستیزی و تکانشگری رابطه معنی‌داری وجود دارد (تانگ و همکاران، ۲۰۲۵).

یافته دیگر این مطالعه نشان داد بین بی‌تفاوتی اخلاقی و تکانشگری با قلدری سایبری رابطه معنی‌داری وجود دارد. این یافته با مطالعات پیشین اصغری و نمازی (۲۰۲۴)، زیچ و همکاران (۲۰۲۳)، کالینز (۲۰۲۴) و کوکینوس و آنتونیادو (۲۰۲۴) همسویی داشت. در تبیین این یافته می‌توان گفت طبق نظریه بازداری اخلاقی آلبرت بندورا (۱۹۹۹) افرادی که بی‌تفاوتی اخلاقی دارند، به راحتی خود را از احساس مسئولیت در قبال دیگران معاف می‌کنند و به همین دلیل احتمال انجام رفتارهای آزاردهنده مانند قلدری سایبری برای آن‌ها بیشتر است. این افراد در فضای آنلاین به دلیل ناشناس بودن و عدم مواجهه مستقیم با پیامدهای اعمال خود، احساس مسئولیت کمتری نسبت به قربانیان دارند و در نتیجه، این ویژگی‌ها باعث می‌شود که فرد به راحتی به سمت رفتارهای مخرب مانند قلدری سایبری کشیده شود (کوکینوس و آنتونیادو، ۲۰۲۴). از سوی دیگر تکانشگری به معنای تمایل به اقدام فوری و بدون تفکر در مورد پیامدهای رفتارها است. این ویژگی باعث می‌شود که افراد تکانشگر قادر به کنترل تکانه‌های خود نباشند و در شرایط مختلف، به ویژه در فضای آنلاین، بدون ارزیابی دقیق پیامدهای منفی اعمالشان، اقدام به رفتارهایی کنند که به دیگران آسیب می‌رساند. در فضای آنلاین، ویژگی‌های تکانشگری تقویت می‌شود زیرا امکان ناشناسی و فاصله از پیامدهای فوری رفتارها وجود دارد. در این فضا، فرد ممکن است به سرعت تصمیم بگیرد و به هیچ‌گونه فکری درباره عواقب اعمال خود نپردازد. از آنجا که افراد تکانشگر به سرعت و بدون تفکر عمل می‌کنند، احتمال این‌که دست به رفتارهایی مانند قلدری سایبری بزنند، بیشتر می‌شود (زیچ و همکاران، ۲۰۲۴).

نتیجه دیگر این مطالعه نشان داد بی تفاوتی اخلاقی در رابطه بین ماکیاولیسم و قلدری سایبری نقش میانجی دارد. این نتیجه بدست آمده با پژوهش‌های غلامی و همکاران (۲۰۲۵)، کوکینوس و آنتونیادو (۲۰۲۴) و اصغری و نمازی (۲۰۲۴) همسویی دارد. در تبیین این یافته گفته می‌شود افراد برای دستیابی به اهداف خود به توانایی در تنظیم و کنترل رفتارهایشان نیاز دارند. افرادی که ویژگی‌های ماکیاولیستی دارند، به دلیل تمرکز بر دستیابی به اهداف شخصی و عدم توجه به اصول اخلاقی، ممکن است توانایی محدودی در خودتنظیمی داشته باشند. این افراد در شرایطی که نیاز به استفاده از رفتارهای غیر اخلاقی برای دستیابی به اهداف دارند، به راحتی از اصول اخلاقی عبور می‌کنند. در نتیجه، بی‌تفاوتی اخلاقی در آن‌ها ایجاد می‌شود. بی‌تفاوتی اخلاقی به معنای ناتوانی در توجه به پیامدهای منفی رفتارهای خود برای دیگران است. این بی‌تفاوتی می‌تواند فرد را به سمت انجام رفتارهای آسیب‌زننده مانند قلدری سایبری سوق دهد. در چنین شرایطی، فرد به دلیل ناتوانی در کنترل و تنظیم رفتارهای خود و به دلیل عدم احساس مسئولیت نسبت به آسیب‌هایی که به دیگران وارد می‌کند، می‌تواند در فضای آنلاین به تحقیر، تهدید یا آزار دیگران بپردازد (کوکینوس و آنتونیادو، ۲۰۲۴).

همچنین این مطالعه نشان داد بی تفاوتی اخلاقی در رابطه بین خودشیفتگی و قلدری سایبری نقش میانجی ایفا می‌کند. این یافته با سایر نتایج مطالعات پیشین کوکینوس و آنتونیادو (۲۰۲۴)، جهانی زنگیر و همکاران (۱۴۰۲) و اصغری و نمازی (۲۰۲۴) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷)، رفتارهای انسان از طریق مشاهده، مدل‌سازی و فرایندهای شناختی شکل می‌گیرند. یکی از این فرایندها، بی‌تفاوتی اخلاقی است که شامل مکانیزم‌هایی می‌شود که از طریق آن‌ها افراد رفتارهای غیراخلاقی خود را توجیه کرده و احساس گناه را کاهش می‌دهند. افراد خودشیفته معمولاً از این مکانیزم‌ها برای توجیه رفتار قلدری سایبری خود استفاده می‌کنند. به‌عنوان‌مثال، ممکن است رفتار خود را به‌عنوان یک اقدام منصفانه توجیه کنند و بگویند که قربانی مستحق آن بوده است. از سوی دیگر، سرزنش قربانی و غیرانسانی‌سازی او نیز در این فرآیند نقش مهمی دارد. افراد خودشیفته ممکن است قربانی را فردی ضعیف و بی‌ارزش تصور کنند و در نتیجه، احساس همدلی نسبت به او نداشته باشند. بنابراین، بی‌تفاوتی اخلاقی به‌عنوان یک پل شناختی، به افراد خودشیفته این امکان را می‌دهد که بدون تجربه احساس گناه، دیگران را مورد آزار قرار دهند. این مکانیسم، تأثیر خودشیفتگی بر قلدری سایبری را تقویت می‌کند و باعث می‌شود که افراد خودشیفته، بدون هیچ‌گونه ملاحظات اخلاقی، به این رفتارها ادامه دهند (جهانی زنگیر و همکاران، ۱۴۰۲).

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

در نهایت این مطالعه نشان داد که تکانشگری در رابطه بین جامعه ستیزی و قلدری سایبری نقش میانجی ایفا می‌کند. این نتیجه همسو با پژوهش‌های قبلی زیچ و همکاران (۲۰۲۳)، پارک و همکاران (۲۰۲۴) و تانگ و همکاران (۲۰۲۵) بود. بر اساس نظریه بازداری رفتاری گری[1] (۱۹۸۷)، رفتار انسان تحت تأثیر دو سیستم تنظیم‌کننده: سیستم بازداری رفتاری[2] (BIS) و سیستم فعال‌سازی رفتاری[3] (BAS) است. از سوی دیگر جامعه‌ستیزی دارای ویژگی‌هایی مانند تکانشگری بالا می‌باشند، و این تکانشگری ناشی از ضعف در سیستم بازداری رفتاری است و باعث می‌شود فرد بدون در نظر گرفتن پیامدهای منفی، به‌سرعت و بدون کنترل هیجانی درگیر قلدری سایبری شود. در افراد جامعه‌ستیز که هم‌زمان تکانشگری بالایی دارند، ضعف سیستم BIS و برتری سیستم BAS باعث افزایش رفتارهای پرخطر، مانند ارسال پیام‌های تهدیدآمیز یا تحقیر دیگران در فضای مجازی، بدون احساس پشیمانی می‌شود. بنابراین، تکانشگری به‌عنوان یک عامل میانجی، اثر جامعه‌ستیزی بر قلدری سایبری را از طریق کاهش حساسیت به پیامدهای منفی و افزایش رفتارهای هیجان‌محور و لحظه‌ای تقویت می‌کند (پارک و همکاران، ۲۰۲۴).

/در مجموع، یافته‌های این پژوهش گویای آن است که رابطه علی بین صفات تاریک شخصیت و پدیده قلدری سایبری از طریق سازوکارهای روان‌شناختی متمایزی قابل تبیین است. تحلیل‌های صورت گرفته حاکی از آن است که بی‌تفاوتی اخلاقی به عنوان مکانیسم شناختی-اخلاقی، سهم معناداری در میانجی‌گری رابطه بین خصیصه‌های ماکیاولیستی و خودشیفتگی با رفتارهای سایبری آزاردهنده ایفا می‌نماید. این در حالی است که تکانشگری به عنوان مکانیسم تنظیم هیجانی-کنترلی، منحصراً در مسیر جامعه‌ستیزی به قلدری سایبری نقش واسطه‌ای دارد. چنین تمایزی مؤید این فرضیه کلیدی است که علی‌رغم همپوشانی مفهومی بین صفات تاریک، هر یک از این سازه‌های شخصیتی از طریق فرایندهای روان‌شناختی ناهمگونی بر بروز رفتارهای پرخطر سایبری تأثیر می‌گذارند. از منظر نظری، این یافته‌ها همسو با مدل‌های چندبعدی شخصیت بوده و مؤید اهمیت تمایز قائل شدن بین ابعاد شناختی و کنش‌گرایانه در تبیین پدیده‌های پیچیده روان‌اجتماعی است. به عبارت دقیق‌تر، یافته‌های حاضر از سویی بر نقش محوری تحریف‌های شناختی در توجیه رفتارهای غیراخلاقی تأکید داشته و از سوی دیگر، اهمیت نقص‌های کارکردهای اجرایی را در سوق دادن افراد به رفتارهای تکانشی پرخطر برجسته می‌سازد. این الگوی دوگانه میانجی‌گری نه‌تنها درک ما را از مکانیسم‌های زیربنایی آسیب‌شناختی قلدری سایبری عمق می‌بخشد، بلکه مبنای نظری مستحکمی برای طراحی مداخلات اختصاصی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی فراهم می‌آورد.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، حجم نمونه بود که ممکن است قابلیت تعمیم به جمعیت‌های دیگر را نداشته باشد. همچنین در این پژوهش، از ابزارهای خودگزارشی استفاده شده است، که ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های شرکت کنندگان قرار گیرند. در این پژوهش تنها بی‌تفاوتی اخلاقی و تکانشگری به‌عنوان متغیرهای میانجی در نظر گرفته شده‌اند. با این حال، ممکن است عوامل دیگری مانند اضطراب یا هویت اجتماعی نیز در این رابطه نقش داشته باشند که در این تحقیق نادیده گرفته شده‌اند. پیشنهاد می‌شود برای تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج، در پژوهش‌های آینده از نمونه‌های بزرگتر با ویژگی‌های دموگرافیک گوناگون استفاده شود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده از طرح‌های طولی استفاده شود تا بتوان تغییرات زمانی صفات تاریک شخصیت و رفتارهای قلدری سایبری را بهتر رصد کرده و روابط علی بین متغیرها را شناسایی کرد.

منابع

ابوسعیدی جیرفتی، س.، معروف صوفیان، ا.، نعمتی سوگلی تپه، ف.، هاشمی نصرت آباد، ت. (۱۴۰۳). نقش میانجی تنظیم هیجان ناسازگار در رابطه بین صفات تاریک شخصیت با پرخاشگری سایبری. *رویش روان شناسی*. ۱۳ (۵) :۶۶-۵۷.http://frooyesh.ir/article-1-5118-fa.html

اختیاری، ح.، صفایی، ه.، اسماعیلی جاوید، غ.، عاطف وحید، م.، عدالتی، ه.، و مکری، آ. (۱۳۸۷). روایی و پایایی نسخه‌های فارسی پرسش نامه‌های آیزنک، بارت، دیکمن و زاکرمن در تعیین رفتارهای مخاطره جویانه و تکانشگری. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، ۱۴ (۳ (پیاپی ۵۴)، ۳۲۶-۳۳۶. https://www.magiran.com/p586686

بشرپور، س.، و زردی گیگلو، ب. (۱۳۹۸). خصوصیات روان سنجی مقیاس تجربه قلدری-قربانی سایبری در دانش-آموزان. *روانشناسی مدرسه*، ۸(۱ (پیاپی ۲۹)، ۴۳-۵۷. https://doi.org/ 10.22098/jsp.2019.795

جهانی زنگیر، ح.، اقبالی، م.، جعفرزاده داشبلاغ، ح. (۱۴۰۲). پیش‌بینی قلدری سایبری براساس تکانشگری، بی‌تفاوتی‌اخلاقی و صفات تاریک شخصیت در نوجوانان دارای وابستگی به فضای مجازی. *رویش روان شناسی*. ۱۲ (۴) :۱۹۶-۱۸۷.http://frooyesh.ir/article-1-4576-fa.html

رسایی کشوک، ز.، آهی، ق.، و منصوری، ا. (۱۳۹۷). نقش سه گانه های تاریک شخصیت در ریسک پذیری رفتاری و بی تفاوتی اخلاقی دانش آموزان پسر. *روانشناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)*، ۱۶ (۱ (پیاپی ۳۰))، ۸۳-۹۱.https://doi.org/ 20.1001.1.23452188.1397.16.1.7.8

1 . Gray
2 . Behavioral Inhibition System
3 . Behavioral activation system

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]

قمرانی، ا.، صمدی، م.، تقی نژاد، م.، و شمسی، ع. (۱۳۹۴). شاخص های روانسنجی مقیاس شخصیت تاریک در دانشجویان. *روشها و مدل‌های روان شناختی*، ۶(۲۰)، ۷۳-۸۵. https://doi.org/20.1001.1.22285516.1394.6.20.5.2

Antoniadou, N., Kokkinos, C. M., & Markos, A. (2016). Development, construct validation and measurement invariance of the Greek cyber-bullying/victimization experiences questionnaire (CBVEQ-G). *Computers in Human Behavior*, *65*, 380-390. https://doi.org/10.1016/j.chb.2016.08.032

Arpaci, I. (2018). The moderating effect of gender in the relationship between narcissism and selfie-posting behavior. *Personality and Individual Differences*, 134, 71–74. https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.06.006

Asghari, A., & Namazi, M. (2024). The Effectiveness of Social Cognition Training on Empathy and Moral Indifference of Teenagers with Cyberbullying. *Social Psychology Research*, *14*(54), 61-72. https://doi.org/10.22034/spr.2024.434891.1907

Bandura, A. (1990). Selective activation and disengagement of moral control. *Journal of social issues*, *46*(1), 27-46. https://doi.org/10.1111/j.1540-4560.1990.tb00270.x

Bandura, A., Barbaranelli, C., Caprara, G. V., & Pastorelli, C. (1996). Mechanisms of moral disengagement in the exercise of moral agency. *Journal of personality and social psychology*, *71*(2), 364. https://doi.org/10.1037/0022-3514.71.2.364

Boardley, I. D., & Kavussanu, M. (2007). Development and validation of the moral disengagement in sport scale. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, *29*(5), 608-628. https://doi.org/10.1037/0022-3514.71.2.364

Bonfá-Araujo, B., Machado, G. M., Lima-Costa, A. R., Otoni, F., Nadeem, M., & Jonason, P. K. (2025). Testing the distinction between sadism and psychopathy: A metanalysis. *Personality and Individual Differences*, *235*, 112973. https://doi.org/10.1016/j.paid.2024.112973

Collins, A. (2024). *Mitigating Cyberbullying among Teens*: The Crucial Role of Moral Education in School Curricula. http://hdl.handle.net/20.500.12493/14469

Dadi, A. F., Dachew, B. A., & Tessema, G. A. (2024). Problematic internet use: A growing concern for adolescent health and well-being in a digital era. *Journal of Global Health*, *14*, 03034. . https://doi.org/10.7189/jogh.14.03034

Gholami, M., Thornberg, R., Kabiri, S., & Yousefvand, S. (2025). From Dark Triad Personality Traits to Digital Harm: Mediating Cyberbullying Through Online Moral Disengagement. *Deviant Behavior*, 1-19. https://doi.org/10.1080/01639625.2025.2453445

Gray, J. A. (1987). The psychology of fear and stress (Vol. 5). CUP Archive.

Jonason, P. K., Webster, G. D. (2010). The Dirty Dozen: A Concise Measure of the Dark Triad. *Psychological Assessment. 22*, 2, 420–432. https://doi.org/10.1037/a0019265

Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications. https://B2n.ir/e15121

Kokkinos, C. M., & Antoniadou, N. (2024). Understanding academic dishonesty in university settings: The interplay of dark triad traits and moral disengagement. *The Journal of Genetic Psychology*, *185*(5), 309-322. https://doi.org/10.1080/00221325.2023.2297850

Lee, J., Choo, H., Zhang, Y., Cheung, H. S., Zhang, Q., & Ang, R. P. (2025). Cyberbullying Victimization and Mental Health Symptoms Among Children and Adolescents: A Meta-Analysis of Longitudinal Studies. *Trauma, Violence, & Abuse*, 15248380241313051. https://doi.org/10.1177/15248380241313051

Marín-López, I., Zych, I., Ortega-Ruiz, R., Monks, C. P., & Llorent, V. J. (2020). Empathy online and moral disengagement through technology as longitudinal predictors of cyberbullying victimization and perpetration. *Children and Youth Services Review*, *116*, 105144. https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105144

Morris, L. A., O'Callaghan, C., & Le Heron, C. (2022). Disordered decision making: a cognitive framework for apathy and impulsivity in huntington's disease. *Movement Disorders*, *37*(6), 1149-1163. https://doi.org/10.1002/mds.29013

Pang, Y., Wang, J., Li, W., Mao, S., & Song, C. (2025). Social network sites usage, cyberbullying perpetration, and adolescent depression: A cross-lagged panel analysis. *Psychological Trauma: Theory, Research, Practice, and Policy*. https://doi.org/10.1037/tra0001900

Park, M. S. A., Billieux, J., Raj, S., Lee, M. C., Geoffrey, D. S., & Nuyens, F. (2024). Functional and dysfunctional impulsivity mediates the relationships between 'Dark Triad'traits and cyberbullying perpetration. *Criminal Behaviour and Mental Health*, *34*(1), 54-65. https://doi.org/10.1002/cbm.2321

Patton JH, Stanford MS, Barratt ES (1995). Factor structure of the Barratt Impulsiveness Scale. *Journal of Clinical Psychology 51*, 6, 768-774. https://doi.org/10.1002/1097-4679(199511)51:6

Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2002). The dark triad of personality: Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Journal of research in personality*, *36*(6), 556-563. https://doi.org/10.1016/S0092-6566(02)00505-6

Pryor, L. R., Miller, J. D., & Gaughan, E. T. (2008). A comparison of the Psychological Entitlement Scale and the Narcissistic Personality Inventory's Entitlement Scale: Relations with general personality traits and personality disorders. *Journal of personality assessment*, *90*(5), 517-520. https://doi.org/10.1080/00223890802248893

Sela-Shayovitz, R., Levy, M., & Hasson, J. (2024). The role of self-control in cyberbullying bystander behavior. *Social Sciences*, *13*(1), 64. https://doi.org/10.3390/socsci13010064

Sidanius, J., & Pratto, F. (2001). Social dominance: An intergroup theory of social hierarchy and oppression. Cambridge University Press. https://B2n.ir/f90683

Spytska, L. (2024). *Symptoms and main features of personality formation of a psychopath*. *Arch Psych Psych*, *26*(1), 34-43. https://doi.org/10.12740/APP/172226

Tang, K. T., Mungall, L. R., Blais, J., & Pruysers, S. (2025). Dark Triad Traits and Cyberbullying Perpetration: Addressing Current Limitations in Dark Triad Studies. *Deviant Behavior*, 1-20. https://doi.org/10.1080/01639625.2025.2468263

Teng, T. H., Varathan, K. D., & Crestani, F. (2024). A comprehensive review of cyberbullying-related content classification in online social media. *Expert Systems with Applications*, *244*, 122644. https://doi.org/10.1016/j.eswa.2023.122644

Zych, I., Kaakinen, M., Savolainen, I., Sirola, A., Paek, H. J., & Oksanen, A. (2023). The role of impulsivity, social relations online and offline, and compulsive Internet use in cyberaggression: A four-country study. *New media & society*, *25*(1), 181-198. https://doi.org/10.1177/14614448211009459

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-24]